

نفقه زوجه از منظر فقه و حقوق

رحمان ولیزاده

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد بابل

◆ چکیده:

دیدگاه دانشمندان و فقهای مسلمان راجع به معنی لغوی و اصطلاحی نفقه، به همراه دلایل و مستندات از آیات و روایات که دلالت بر وجوب پرداخت نفقه به زوجه دارد را بیان کردیم. در ادامه، راجع به مبنای پرداخت نفقه که بر اساس آن موجبات دلگرمی، دل بستگی، نشاط و غرور در زن فراهم می گردد، بحث نمودیم. تاریخچه پرداخت نفقه در ادیان گذشته و حال و اسباب نفقه (زوجیت، قرابت، ملک) از دیگر مباحث مطرح در این مقاله اند، واجب می گردد. و نیز شرایط پرداخت نفقه، نفقه زوجه پس از انحلال عقد و چگونگی ضمانت اجرایی کیفری از لحاظ فقهی و حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

کلمات کلیدی: نفقه، تمکین، نشوز، زوجه، طلاق، ایران باستان، عقد دائم

مقدمه

نفقه در لغت: لفظ نفقه در کتب لغت به این معنا آمده است، النفقه اسم ما ینفق نفقه اسم است برای آنچه پرداخت می‌شود، نفق یعنی چیزی کم شد یا از بین رفت نفق الشی مضمی: یعنی مصرف شد و فانی گشت و به عبارت دیگر نفقه، خرج کردن یا پولی که خرج شود. (المفردات فی غریب القرآن ص ۵۰۲)

قاموس المحيط و لسان العرب واژه نفقه را در دو درد و معنی بکار برده است. اگر در مورد حیوان بکار رود به معنای مرگ است چنانچه در مورد معامله‌ای استعمال شود به معنای شیوع و رواج است. (فیروزآبادی/ القاموس المحيط ص ۱۱۹۵ - جمال‌الدین محمد بن مکرم - لسان العرب ج ۱۰ ص ۳۵۷) دکتر رفیق العجم و علی دحروج در این باره می‌گویند نفقه به فتح نون و فا به معنای از بین رفتن و خرج کردن دلالت می‌کند و نفقه همان طعام، پوشاک و مسکن است «النفقه هی الطعام و الکسوه و السکنی»، (موسوعه کشاف و اصطلاحات الفنون و العلوم ج ۲ ص ۱۷۲۱) در فرهنگ معین برای نفقه دو معنی ذکر شده است (۱) آنچه انفاق و بخشش می‌کنند (۲) آنچه صرف هزینه عیال و اولاد کند. (فرهنگ فارسی معین ۱۳۷۱ ج ۴ ص ۷۷)

نفقه در اصطلاح:

فقه‌های امامیه معمولاً نفقه زوجه را به معنای غذا، لباس، مسکن، مستخدم و هزینه نظافت و آرایش در حد عادت و رسوم زنان هم‌ردیف او در آن شهر گرفته‌اند. (شرایع الاسلام ۱۲۸۹-ق ج ۲ ص ۲۴۹ - منهاج الصالحین آیت‌الله حکیم ۱۹۵۷ م ۱۳۷۷ -ق ج ۲ ص ۲۱۳ -تحریر الوسیله ج ۲ ص ۳۱۵). البته عده‌ای از فقها نفقه را به معنای خوراک زن گرفته در مقابل لباس، مسکن تکرار داده‌اند. (احکام ازدواج و طلاق از نظر اسلام/ یزدی ص ۱۶۵)

در اصطلاح فقها: نفقه چیزی که انسان بر خانواده همسر، نزدیکان، و بندگانش خرج می‌کند. و شامل خوراک، پوشاک و مسکن می‌شود

از نظر قرآن کریم و سنت بر زوج واجب است نفقه زوجه را بدهد و آن عبارت است از آنچه که در میان مردم به عنوان هزینه زندگی معمول است «بما انفقوا من اموالهم» (سوره نساء آیه ۳۴) امام جعفر صادق (ع) درباره حق زن به شوهر که سؤال گردید فرمودند:

گرسنگی او را برطرف نماید و عورت او را بپوشاند و با او بد خلقی نکند. پس چون چنین کند به خدا، سوگند که زوج حق زن را به او داده است (وسایل الشیعه ج ۵ ص ۲۲۷-۲۲۶) قانون مدنی ایران نیز به پیروی از نظریه مشهور فقها نفقه را شامل مجموع نیازمندیهای فوق دانسته و لباس و مسکن را داخل در نفقه دانسته است نه جدای از آن لذا نفقه عبارتست از مسکن، غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت احتیاج او به بواسطه مرض یا نقصان اعضاء (ماده ۱۰۷ قانون مدنی) حقوقدانان ما نیز به پیروی از نظریه فوق نفقه را شامل کلیه هزینه‌های فوق دانسته‌اند (حقوق مدنی امامی ۱۳۵۸ ج ۴ ص ۴۲۴ ترمینولوژی حقوق ۱۳۶۴ ص ۷۱۸- نفقه در حقوق ایران ۳۹-۱۳۲۸ ص ۴۶)

اسباب و جوب نفقه:

با مطالعه در کتب فقهی و نظر فقهاء نفقه به یکی از اسباب سه گانه ذیل واجب می‌گردد. زوجیت، قرابت، ملک.

محمدحسن نجفی در این باره فرموده است نفقه به جز اسباب سه گانه زوجیت، قرابت، ملک واجب نمی‌شود (جوهر الکلام ۱۳۶۶ ج ۳۱ ص ۳۰۱) در قانون مدنی در ماده ۱۱۰۶ سبب زوجیت را اینگونه بیان نموده است:

در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است که در اثبات آن می‌توان به دو آیه ذیل استناد کرد:
 ۱- الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم (سوره نساء آیه ۲۴)

مردان سرپرست و نگهبان زنانند بخاطر برترهای که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و بخاطر انفاقهای که از اموالشان در مورد زنان می‌کنند.

۲- و الودات یرضعن اولادهن حولین کاملین لمن اراد ان یتیم الرضاعه- و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف (بقره / ۲۳۲) مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند آن کسیکه خواهد فرزند را شیر تمام دهد به عهده صاحب فرزند است که خوراک و لباس مادر در حد متعارف بدهد

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۳۴ می‌گوید: که مردان درزندگی خانوادگی سرپرست همسر

خود می‌باشند. قیم به کسی گفته می‌شود که امور مهم فرد دیگری را به عهده می‌گیرد و سرپرستی می‌نماید که این سرپرستی دو علت دارد.

علت دوم مقصود بحث ماست. که برتری مردان به زنان به جهت نفقه و مهریه‌ای است که مردان به زنان می‌پردازند و (تفسیر المیزان ۱۳۹۳ هـ - ق - ج ۴ ص ۵۰۷)

فضل بن الحسن طبرسی در تفسیر مجمع البیان همین نظر را دارد. (مجمع البیان، ۱۴۰۲ هـ - ق - ج ۵ ص ۱۳) زمخشری در تفسیر این آیه می‌گوید: قیم کسی است که عهده‌دار مخارج دیگری شد و به وی انفاق می‌کند قوام و قیام صیغه مبالغه آن است.

و منظور از (نفقوا) در آیه شریفه انفاق در مهریه همسران و نفقه آنان می‌باشد (تفسیر الکشاف ج ۱ ص ۵۰۶) در تفسیر آیه دوم شیخ طوسی پس از بیان بعضی از احکام طلاق در آیه ۲۳۲ سوره بقره معتقد است آیه در مورد به زنان مطلقه حامله نازل شده است پدران و فرزندان زنان فوق مکلف به پرداخت خوراک و پوشاک این زنان شده‌اند. (التیان فی تفسیر القرآن ج ۲ ص ۲۵۶)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌فرماید: از نظر تشریح چون فرزند به پدر منسوب است از اینرو به پدر مولودله اطلاق شده است. و چون در محضر احکام حیاتی ملحق به اوست از اینرو به پدر واجب است که به مصالح حیاتی و لوازم تربیت وی قیام نماید. و نیز هزینه زندگی و پوشاک مادر را که به بچه شیر میدهد، پردازد. (تفسیر المیزان ص ۳۴۰-۳۳۸)

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر کلمه معروف در آیه شریفه فرموده‌اند:

قید معروف خاطر نشان می‌سازد که لباس و غذای مادر باید در حد متعارف و شایسته حال او باشد. نه سختگیری در این زمینه صحیح است و نه اسراف (تفسیر نمونه ج ۲ ص ۱۲۳)

به آیات دیگری نیز وجوب کیفیت و کمیت نفقه استدلال شده است نظیر آیه ۱۹ نساء (و عاشروهن بالمعروف) آیه ۲۲۹ بقره (فامساکن بمعروف او تسریح باحسان)

بنابراین آنچه از استدلال آیات فوق حاصل می‌شود این است که بر شوهر واجب است نفقه همسر خود را پردازد و در آن رعایت معروف و متعارف را بنماید.

روایات: بر اساس روایات موجود، پرداخت نفقه زوجه اعم از پوشاک، خوراک و از آنچه که به صورت متعارف زوجه را کفایت کند. بر شوهر واجب است.

ابی بصیر از امام محمدباقر (ع) نقل می‌کند. من کانت اسراه فلهم یکسها مایواری عورتها و لم یطعها ما یقیم طلبها کان حقاً علی الامام ان یفرق بینها کسی که زن خود را لباسی که عورت او را بپوشاند و طعامی که پشت او راست گردانده ندهد پس بر امام فرض است که میان زن و شوهر جدایی افکند. محمد بن حسن حر عاملی نقل کرده است از اسحاق بن عمار از اباعبدالله (ع) درباره حق زن به شوهر سؤال کرد. امام فرمود «ما شیخ بطنها و یکسوا جبها و ان جهلت غفرلها شکم او را سیر کنید و او را لباسی بپوشاند و اگر اشتباه کرد او را ببخشد». (وسائل الشیخ ج ۱۵ ص ۲۲۴-۲۲۳)

بنابراین از مجموع آیات و روایات می‌توان اینطور استنباط کرد که بر مرد واجب است نفقه زوجه خود را بپردازد حتی حاکم شرع می‌تواند مرد را الزام کند به دادن نفقه کند.

اجماع: محمد حسن نجفی در ضمن اینکه اسباب و جوب نفقه را زوجیت قرابت- ملک می‌داند اضافه می‌کند که جماعتی به این نظر اجماع دارند. (جواهر الکلام ۱۳۶۶ ج ۳ ص ۳۰۱)

تاریخچه نفقه زوجه:

ایران باستان: اقتصاد درزندگی ماقبل تاریخ به مبنای مادرشاهی متکی بوده است زنان از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. قبل از امپراتوری ساسانی زن شخصیت حقوقی نداشت. هر چند تحت سرپرستی و قیمومت رئیس خانواده بوده ولی از نظر انفاق هیچ حق بر شوهر نداشت. اما در مقابل این نظریه برخی از مستشرقین برای زن در دوره ساسانی حقوقی بر شمرده‌اند و قایل به وجود حق مالکیت برای زنان آن زمان شده‌اند. در ابتدای دوره ساسانی زن به عنوان یک کالا محسوب می‌شد، در نتیجه از هیچ حقوقی بهره‌مند نبود. اما به مرور توانست امتیازاتی را کسب نماید. در مراحل اولیه زن ممتاز یا شاهزن حق نفقه داشت ولی بعدها سایر زنان نیز از چنین حقوقی بهره‌مند گردیده‌اند.

کلده و آشور و بابل:

زنان کلده و آشور حق نداشتند از مال خود و شوهرشان بدون اجازه شوهر استفاده نمایند. و در صورت عدم اجرای خواسته شوهر ممکن بود بدون مهریه از خانه بیرون و یا در دریا غرق

گردند و یا به عنوان کنیز مورد استفاده قرار گیرند. در بابل نیز دختران به عنوان کالا خرید و فروش می‌شدند و حق نفقه از کسی نداشتند.

مصر باستان: دختران از هیچگونه حق در زندگی برخوردار نبودند، دختران ننگ و عار بودند و زنده به گور می‌شدند، دختران زیبا برای پر آب شدن نیل قربانی می‌شدند. بنابراین در چنین وضعیتی، حقی به نام حق نفقه نمی‌تواند برای زنان مطرح باشد.

عربستان: داستان تلخ زنده به گور کردن دختران، از برگه‌های ننگین تاریخ عرب جاهلیت محسوب می‌گردد. که مردان به خاطر فقر و تنگدستی و یا تعصب جاهلانه اقدام به کشتن دختر خود می‌نمودند. قبل از اسلام، مردان زنها را موجوداتی متوسط میان حیوان و انسان می‌دانستند. و برای زنان هیچ حقی قابل نبودند.

هند: در نزد هندی‌ها زن بی‌مقدارترین موجود به شمار می‌رفت. شوهران نسبت به زنان و پدران نسبت به فرزندان از نظر انفاق و وظیفه نداشتند. در قسمت‌هایی از هند رسم بوده است که زنان را پس از مرگ شوهرانشان زنده زنده با جسد شوهر می‌سوزانند.

گوستاو لویون در کتاب تمدن اسلام و عرب قانونی را از هندیها نقل می‌کند که به موجب آن «قضا و قدر حتمی، طوفان، مرگ، جهنم، زهر کشنده، افعی و مار گزنده هیچکدام از زن بدتر نیست». رم: حقوق رم قدیم سیستم پدر شاهی متکی بوده است. لذا مسئله‌ای به نام حق قانونی نفقه وجود نداشت. اما کم‌کم اختیارات و قدرت رئیس خانواده تعدیل شد. و هیئت مقننه مرد را مکلف به تکالیفی از قبیل اطعام و تغذیه همسر نمود.

یونان: زن به عنوان عنصر ازدیاد نسل و تولد بود. آن هم بایستی پسران نیرومند به دنیا می‌آوردند. بدین ترتیب زنانی که چند دختر میزایدند طرد می‌شدند. چندین قرن پس از ظهور مسیح در اثر تلاش علمای اصلاح طلب مسیحیت زن از منکوک بودن خارج شده دارای حقوق اجتماعی نفقه گردید.

اروپا: زن در اروپای قدیم، نیز موجودی بی‌ارزش تلقی می‌گردید. دارای هیچ‌حق و حقوق نبود. در فرانسه قدیم تأمین نفقه به عنوان یک عمل اخلاقی محسوب می‌شد. یا ضمانت اجرائی نداشت. تا سرانجام در قرن هجدهم بصورت قانونی لازم‌الاجراء درآمد.

گوستا ولوبون در کتاب تمدن اسلام عرب راجع به گسترش فرهنگ اسلام از عربستان و ایران و آفریقا فراتر رفت و حتی دامنه تأثیرگذاری آن به اروپا نیز رسید.

اروپائیان اخلاق جوانمردانه را که یکی از آثار آن احترام به زن است از اعراب و مسلمین اقتباس کردند. بنابراین مذهب اسلام بود که زن را از پست‌ترین وضع به بلندترین مقامات رسانید. نویسندگان حقوق اعتراف دارند به اینکه حقوقی که قرآن و کتاب‌های فقهی برای زن مقرر داشته است به مراتب بیش از آن حقوق است که زنان اروپایی دارا هستند. یک زن مسلمان علاوه بر مهریه ای که به او تعلق می‌گیرد. اموال شخصی او نیز بدست خود اوست. و هنگامی که طلاق گرفت نفقه خود را نیز دریافت می‌دارد (طلاق رجعی).

در انگلیس، شوهر متعهد است که به طبق توانایی‌های مالی خودش از خانواده‌اش حمایت کند. در قانون مدنی ژاپن به این نکته صراحت دارد که تأمین هزینه زندگی به عهده هر دوی زوجین می‌باشد.

مبنای پرداخت نفقه زوجه:

تأمین بودجه کانون خانواده به عهده مرد است بودجه زندگی زن، جزء بودجه خانواده و به عهده مرد است مرد حق هیچگونه سلطه اقتصادی و استثمار زن را ندارد مسایل زیر در این رابطه قابل توجه است:

۱- مسئولیت و رنج و زحمات طاقت فرسای تولید نسل از لحاظ طبیعت بعهد زن گذاشته شده است و اینها از نیروی بدنی زن کاسته و توانایی او را در کسب و کار کاهش می‌دهد.

۲- زن و مرد از لحاظ نیروی کار مشابه و مساوی آفریده نشده‌اند عموماً تواناییهای مرد برای کارهای اقتصادی و تولیدی بخصوص کارهای طاقت‌فرسای بدنی بیشتر است.

۳- باقی ماندن جمال و نشاط و غرور در زن، مستلزم آسایش بیشتر و تلاش کمتر وی می‌باشد. به علاوه سلامت و نشاط زن در رسیدگی وی به امور داخلی منزل و تربیت اطفال برای مرد نیز ارزش فراوانی دارد. و این مسئله خود سبب آسایش راحتی مرد را نیز فراهم می‌نماید. (مطهری مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام ۱۳۶۶ انتشارات صدرا)

دکتر ناصر کاتوزیان در این رابطه می‌فرماید در کانون خانوادگی ریاست خانواده به عهده مرد است تکلیف وی به پرداخت نفقه از توابع ریاست او به خانواده است این وظیفه ناشی از حکم

قانون است و ریشه قراردادی ندارد. (حقوق خانواده ۱۳۶۷ ص ۱۵۸)

دکتر جعفری لنگروری می‌فرماید پرداخت نفقه از موجبات تشدید خانواده دانسته و معتقدند که زوج در اینجا نباید فکر کند که به زوجه احسان می‌کند بلکه این کار از اوازم صیانت خانواده است (خانواده ۱۳۶ ص ۱۶۲)

در قوانین هند نفقه زوجه بوسیله همسرش از تعهدات شخص و خصوصی شمرده می‌شود که ناشی از وجود ارتباط زناشویی می‌باشد همین رابطه موجب ایجاد چنین تعهدی به نفقه می‌شود. حقوقدانان انگلیس نیز الزام به نفقه را ناشی از تعهد شخصی زوجه دانسته‌اند شوهر در هنگام ازدواج متعهد می‌شود که از خانواده خود حمایت نماید.

حمایت کردن از زوجه، شامل پرداختن هزینه‌های ضروری زندگی وی می‌شود. البته امروزه نفقه در انگلستان و بعضی کشورهای دیگر به عنوان یک تکلیف متقابل مطرح است یعنی یک تعهد دو جانبه است.

شرایط و جوب نفقه زوجه:

عقد دائم: دائمی بودن عقد ازدواج به عنوان شرط اول در وجوب نفقه زوجه مورد اتفاق فقها اسلام است نفقه برای زوجه در عقد منقطع پرداخت نمی‌گردد و الزامی هم وجود ندارد. فقها امامیه در وجوب نفقه زوجه، دائمی بودن عقد را لازم می‌دانند در این زمینه رأی مخالفی مشاهده نشده و به نقل از صاحب جواهر اینجا هم اجماع منقول داریم هم اجماع محصل (جواهرالکلام ۱۳۶۶، ج ۳۱ ص ۳۰۳) حدائق الناضر، ج ۲۵ ص ۹۷) منهاج الصالحین آیت‌الله حکیم (۱۹۵۷ م ج ۲ ص ۲۱۳) (تحریر الوسیله ج ۲ ص ۲۲۳) قانون مدنی در ماده ۱۱۰۶ ق.م می‌گوید «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است در نکاح منقطع شوهر ملزم به دادن نفقه نیست مگر آنکه شوهر تعهد به آن بکند. که در ماده ۱۱۱۳ ق-م در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. که در ماده ۱۱۰۷ می‌گوید نفقه عبارت از مسکن البسه- و غذا و اثاث الیه که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد. (و حقوق مدنی، ۱۳۸۳-مش ج ۴ ص ۵۰۲-۵۰۱)

۲- تمکین کامل زوجه:

دیگر از شرایطی که زوجه مستحق دریافت نفقه می‌شود تمکین کامل او از شوهر می‌باشد که

در مقابل نشوز قرار دارد یعنی اگر زوجه از زوج خود نافرمانی کند استحقاق و دریافت نفقه را ندارد.

محقق حلی در این زمینه می‌فرماید تمکین کامل عبارت است از خلوت نمودن زوجه و زوج به صورتیکه به مکان یا زمانی اختصاص نداشته باشد پس اگر زن در زمانی غیر از زمان دیگر و مکانی غیر از مکان دیگر که بهره بودن از زن جایز است. خود را در اختیار شوهر قرار دهد در این صورت برای زوجه تمکین حاصل نمی‌شود علامه در تحریر گفته است که زن بگوید به مرد در هر مکانی که خواسته باشی خودم تسلیم می‌کنم.

صاحب کفایه می‌فرماید در حاصل شدن تمکین نیاز به لفظ نداریم بلکه تمکین فعلی (عملی) کافی می‌باشد قول مشهور امامیه آنست که به مجرد عقد پرداخت نفقه واجب نمی‌شود بلکه منوط به تمکین از طرف زن نیز می‌باشد. (شرایع الاسلام ترجمه فارسی ج ۲ ص ۸۵ انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۸ شمسی)

فیض کاشانی با یک دید وسیع فرموده است خوش خلقی، خوش رفتاری و خوش کلامی در محیط خانواده که موجبات فراهم شدن محیط گرم و صمیمی خانوادگی و باعث زد و دن خستگی‌های بیرون از خانه است امور از جمله بدرقه کردن شوهر به هنگام خروج از منزل استقبال موقع بازگشت رعایت احترام و تواضع نیز به زن واجب است در محیط خانواده علاوه بر خوش خلقی و نرمش در رفتار و گفتار طوری لباس بپوشد که برای همسرش جذاب و دلریا باشد و نیز بر زن است در محیط خانوادگی به خاطر شوهر خود را بیاراید و خودش را با بوی خوش معطر نماید (مفاتیح الشرایع ۱۴۰۱ هـ.ق ج ۲ ص ۲۸۹ جواهر الکلام ۱۳۶۶ ج ۳۱ ص ۱۴۸)

دکتر وهبه زهیلی در این باره می‌گوید زن اگر خودش را با رضایت و توانایی به زوج تسلیم نماید و از خواسته زوج مانع نشود. خواه زوج نزدیکی بکند و خواه نکند یا زوجه یا ولی زوجه وی را دعوت به نزدیکی بکند یا نکند به آن تمکین نام گویند. که در این صورت دادن نفقه به زوجه واجب می‌شود (الفقه الاسلامی و ادله ۱۴۱۸ هـ.ق. ج ۱۰ ص ۷۴-۷۳)

در رابطه با مطالب فوق به این روایت از پیامبر اکرم (ص) توجه فرمائید:

عن ابی عبدالله و (ع) قال: جاءت امرأة الی الرسول (ص) فقالت یا رسول الله حق الزوج علی المرأة فقال علیها ان تطیب با طیب طیها و تلبس احسن ثیابها

و تزین با حسن زینتها و تعرض نفسها علیه غدوه و عشیه. (کافی ۱۳۷۷ ج ۵ ص ۵۰۸ وسائل الشیعه بیاب ۷۹

از ابواب نکاح حدیث ۲)

زمانیکه از پیامبر اکرم (ص) در رابطه با وظایف زن در مقابل شوهرش سنوالمی نمایند ایشان از جمله وظایف زن در مقابل همسرش را استعمال بهترین عطر- پوشیدن بهترین لباس- زینت نمودن خویش با بهترین زینت که در اختیار دارد و عرضه نمودن خودش به او در هر صبح و شام. بنابراین تمکین کامل زوجه به زوج واجب است که نفقه او را پردازد اصطلاح که در مقابل تمکین استعمال می شود نشوز است که بدین تناسب مفهوم نشوز را بررسی مختصری می کنیم.

مفهوم نشوز:

نشوز از «نشز» فتح نون و سکون شین به معنای زمین مرتفع است راغب در مفردات ذیل آیه ۳۴ سوره نساء «والاتی تخافون نشوزهن» می گوید «نشوز المراه بعضها بزوجهها و رفع نفسها عن طاعته و عینها عنه الی غیره» نشوز به معنی خشم گرفتن او برای شوهر و سرپیچی از اطاعت او روی گرداندن از او به سوی دیگری است. (المفردات فی غریب القرآن ص ۴۹۳)

اما نشوز در اصطلاح فقهی عبارت از «هو الخروج من الزواج او الزوجه عن الطاعه الواجبه علی کل واحد منها الاخره». نشوز عبارت از خروج هر یک از زوجین از طاعت واجب، عدم انجام وظیفه واجب را و ادا نکردن حقوق واجب نسبت به طرف مقابل است.

شهید اول در این باره می فرماید: نشوز خروج از اطاعت است پس زمانیکه نشانه های نشوز برای شوهر آشکار شد به اینکه زن چهره در هم کشید و نسبت به خواسته های شوهر بی رغبتی نشان دهد. (جواهر الکلام ۱۳۶۶ ج ۳۱ ص ۲۰۰) اللمه الدمشقیه ۱۴۰۶ هـ. ق. ص ۲۰۰

ابن قدامه نشوز را اینگونه تعریف می کند معنی النشوز معصینه الزوج فیما فرض الله علیها من طاعته ما خود من النشز و هو الارتفاع فکانها ارتفعت و تعالت عما وجب الله علیها من طاعته (المغنی، ۱۴۱۸ هـ. ق. ج ۷، ص ۲۴۱)

معنای نشوز معصیت در حق شوهر است در طاعتی که خداوند بر زن واجب کرده است نشوز ما خود از نشز به معنای ارتقا ع است گویی که زن نسبت به اطاعت شوهر که خداوند بر او واجب کرده است برترین جویی می کند.

مرحوم خوانساری در این باره می فرماید: اشکالی ندارد در اینکه با تحقق نشوز از طرف زن بواسطه اخلال در حقوق شوهر نفقه زوجه ساقط می گردد.

در تحف العقول از نبی اکرم (ص) روایت گردیده که در خطبه حجه الوداع فرمودند: بدرستی که زنان شما بر شما حق دارند و برای شما بر زنان حقی است حق شما بر زنان این است که فراش شما را ضایع نمایند عمل فحشاء را مرتکب نشوند. (جامع المدارک فی شرح المختصر النافع ۱۳۶۴ ج ۴ ص ۴۷۸)

حقیه می‌گوید نفقه آن است که با نشوز ساقط می‌گردد. مگر اینکه خنذر شرعی داشته باشد. که در این صورت نفقه ساقط نمی‌گردد مثلاً بیماری داشته باشد که نزدیکی برای او. ضرر داشته باشد. یا اینکه به حج واجب رفته باشد که در این صورت زن ناشزه نیست»

مالکیه و حنابله نیز همین نظر را دارند. (الفقه الاسلامی وادله ۱۴۱۸ هـ.ق. ج ۱۰ ص ۷۳۶۶-۷۳۶۴)

انواع تمکین:

به تناسب بحث که از تمکین شده است لازم است که انواع تمکین نیز اشاره کنیم:

تمکین عام: یعنی اطاعت کردن زوجه نسبت به زوج در کلیه حقوقی که مربوط به زوج می‌شود که به چند نمونه آنها در مطالب گذشته اشاره کردیم.

تمکین خاص: که عبارت از حق استمتاع زوج نسبت به زوجه می‌باشد که مربوط به مواقعه و نزدیکی بین زوج و زوجه می‌باشد. برای اینکه زوجه بتواند استحقاق دریافت نفقه داشته باشد به استفاد متون و حقوقی می‌بایست هم تمکین عام داشته باشد و هم خاص صاحب جواهر در این زمینه می‌فرمایند تمکین عبارت است از اطاعت زوجه از زوج در کلیه حقوق زوج مانند عدم خروج از منزل بدون اذن او در حق استمتاع زوج که اولی مربوط به تمکین عام می‌شود دومی مربوط به تمکین خاص می‌شود. (جواهرالکلام، ۱۳۶۶، ج ۳۱، ص ۳۰۶) قانون مدنی تمکین به معنی عام را به وظایف زوجیت در ماده ۱۱۰۸ تفسیر نموده است در این ماده اینطور آمده است که هرگاه زن بدون مانع مشروع ادای وظایف زوجیت امتناع کند. مستحق نفقه نخواهد بود.

تمکین خاص: عبارت از نزدیکی جنسی با شوهر است که زن باید همیشه آماده برای آن باشد مگر اینکه مانع شرعی وجود داشته باشد که به چند مورد آن قبلاً اشاره کردیم.

(حقوق مدنی ۱۳۸۳ هـ.ش - ج ۴ ص ۵۱۷-۵۱۶)

نظرات مختلف در شرط بودن تمکین و یا مانع بودن نشوز:

اگر تمکین زن از شوهر سبب برای گرفتن نفقه باشد باید زن تمکین نماید تا استحقاق گرفتن

نفقه را داشته باشد اگر چنانچه تمکین شرط نباشد اگر نشوزی از او سرزند استحقاق دریافت نفقه را نخواهد داشت. اینکه آیا تمکین شرط برای وجوب پرداخت نفقه باشد. یا عدم نشوز شهید ثانی در روضه البیبه و محقق حلی در شرایع تمکین را شرط وجوب نفقه بیان کرده‌اند و در این نظر ادعای اجماع دارند حداقل اینکه مخالفت آشکاری به این شرط وجود ندارد.

(شرایع الاسلام ۱۴۰۹ هـ-ق کتاب نکاح ص ۲۹۱-) (الروضه البیبه فی شرح اللعمه مشقه کتاب النکاح ۱۴۱۰)

نظر دیگری که عدم نشوز را شرط وجوب نفقه دانسته یعنی نشوز را مانع برای نفقه می‌دانند و تمکین را شرط نمی‌دانند.

مرحوم صاحب جواهر در این زمینه می‌فرماید وجوب نفقه را مشروط به تمکین نمی‌داند زیرا ادله در این باره ساکت است ولی نفقه با نشوز در حقوق واجب زوج ساقط می‌شود. به نظر می‌رسد که به محض وقوع عقد دائم زوجه مستحق دریافت نفقه است زیرا طبیعت حقوقی حق زن نسبت به نفقه برای زندگانی است. لذا بر زوج لازم و ضروری است آنرا برای زوجه آماده نماید. مقتضی در اینجا موجود است در صورتیکه مانع وجود نداشته باشد مانعی که ممکن است در اینجا حادث شود که استحقاق دریافت نفقه نداشته باشد نشوز زن است نه اینکه شرط وجوب نفقه تمکین زوجه باشد. زیرا عرف عادت دلالت به این دارند که وقتی زوج و زوجه‌ای با هم ازدواج می‌کنند زوج وسایل اولیه را برای زوجه فراهم می‌کند اما انتظاراتی هم در مقابل آن دارد از جمله این انتظارات از وظایفی که بر عهده زوجه قرار گرفته است سرپیچی نکند. وگرنه استحقاق دریافت نفقه بعدی را نخواهد داشت. در هر صورت اگر تمکین جهت گرفتن نفقه شرط باشد اگر زوج نفقه دهد و مدعی باشد که تمکین حاصل نشده است زوجه باید حصول تمکین را ثابت کند. و اما در صورتیکه نشوز سبب آن باشد که زوجه استحقاق دریافت نفقه را نداشته باشد مدعی نشوز می‌بایست آنرا اثبات نماید. زیرا اصل بر وجوب نفقه است و مانع هم در اینجا نباشد.

محقق حلی در این زمینه می‌فرماید پس از تردید در مسئله شرط بودن تمکین را ترجیح می‌دهد این قول را اظهر می‌داند.

(شرایع الاسلام ۱۴۰۹ هـ-ق کتاب نکاح ص ۲۹۱) (اللمعه الدمشقیه ۱۴۰۶ هـ-ق ص ۲۰۴) جامع عباسی ۱۳۱۹ هـ-ق ص ۳۰۷

اما گروهی دیگری از فقها از جمله آیت‌الله حکیم عدم نشوز را شرط می‌دانند یعنی به مجرد عقد نفقه واجب می‌شود ولی نشوز مانع از تحقق آن هست تا نشوز حاصل نشده نفقه واجب است اما پس از تحقق نشوز نفقه ساقط می‌گردد. (منهاج الصالحین، ۱۹۵۷ م ۱۳۷۷ هـ-ق ج ۲ ص ۲۱۳)

فقهای عامه نیز شرایطی را جهت وجوب نفقه بیان می‌دارند از جمله اینکه حنفیه پرداخت نفقه را در تحت شرایط زیر واجب می‌دانند.

۱- عقد ازدواج صحیح باشد ۲- زوجه توانایی مسایل خاص زناشویی را داشته باشد
 ۳- زوجه خویش را تسلیم شوهر نماید ۴- زوجه مزنده نباشد.

مالکیه فایل به تفکیک شده‌اند بین صورت قبل ازدخول و بعد از آن فرق گذاشته‌اند قبل از دخول شرایط ذیل را لازم دانسته‌اند.

۱- زوجه یا ولی او مرد را دعوت به زناشویی کرده باشد. ۲- زوجه توانایی مسایل جنسی را داشته باشد ۳- زوجه مرض شدید نداشته باشد ۴- زوجه بالغ باشد.

البته بعضی از مذهب مالکیه تلویحاً استطاعت مالی شوهر را در وجوب نفقه شرط دانسته و گفته‌اند نفقه زوجه‌ای که توانایی مسایل زناشویی را دارد بر مرد بالغی که توانایی و استطاعت مالی دارد واجب است. (الشرح الصغیر علی اقرب المسالک الی مذهب الامام مالک ج ۲ ص ۲۲۹)

عبدالرحمن جزیری معتقد است شافعیه شرایط ذیل را برای وجوب نفقه لازم و واجب دانسته‌اند
 ۱- زوجه خویش را کاملاً به شوهر تسلیم نماید. ۲- زن توانایی مسایل خاص زناشویی را داشته باشد. اگر چه زوج صغیر باشد که در این صورت ولی زوج صغیر باید نفقه زوجه را بدهد ۳- ناشر نباشد (الفقه علی مذاهب الاربعه / ۱۹۶۹ م/ج ۴، ص ۵۷۱).

حدود و اطاعت زن و مرد از یکدیگر:

شهید ثانی در دو کتاب الروضه و مسالک در حدود اطاعت زن و مرد از یکدیگر اینگونه بیان داشتند. اگر شوهر نشوز نمود با امتناع ادای حقوق واجب زن که به عهده اوست اعم از قسم و نفقه پس زن می‌تواند حقوق خود را مطالبه کند. و بر حاکم است که مرد را ملزم به پرداخت حقوق زن نماید. (الروضه البیبه ج ۷ ص ۴۲۹) (مسالک الافهام، ج ۱ ص ۵۷۲)

دکتر وهبه زهیلی درباره حقوق زن بر مرد چنین بیان کرده است حقوق زن دو قسم است حقوق مالی مانند نفقه و قسم دیگر حقوق غیر مالی است مانند استمتاع، حسن معاشرت با بذل حق

بدون تأخیر، عدالت میان زنان در صورت تعداد زوجات بیتوته نزد ایشان می‌باشد (الفقه الاسلامی دادله

(۱۴۱۸)

نقده زوجة پس از انحلال زوجیت:

پس از وقوع طلاق نفقه در زمان عده در بعضی موارد به زوجة تعلق می‌گیرد مانند عده طلاق رجعی. اسکنو هن من حیث سکتتم من وجدکم ولا تضارؤ هُنَّ (طلاق آیه ۶)

مقدس اردبیلی ذیل آیه فوق ادعای اجماع بر وجوب نفقه زوجة در عده رجعی می‌نماید. «یجب اسکان الزوجة حال الزوجیه او بعد الطلاق الرجعی فی العده و دل اجماع هل البیت و اخبارهم (زیده البیان. مقدس اردبیلی ص ۵۳۹)

شیخ طوسی در مبسوط ادعای عدم خلاف در مسئله فوق نموده و می‌گوید زنیکه در عده رجعی است مستحق نفقه و مسکن است (مبسوط شیخ طوسی ج ۵ ص ۲۱۱)

«فالرجعیة تسحق النفقة و السکنی بلاخلاف» علاوه بر اجماع منقول در مسئله فوق اجماع محصل نیز حکم به وجوب نفقه در زمان عده رجعی می‌نماید نظریه مخالفی مشاهده نشده است. (محقق حل / مختصر النافع / ۱۹۵) امام خمینی تحریر الوسیله ج ۲ - ۲۱۴ - آیت الله خوئی. منهاج الصالحین / ۳۹۴)

اجماع کنندگان به آیات و روایات نیز استناد کرده‌اند از جمله از زرا ره که از امام پنجم (ع) نقل می‌کند که آنحضرت فرمودند زنیکه سه طلاقه شده است مستحق نفقه نیست زیرا در عده بائن بسر می‌برد بلکه نفقه برای زینی است که در عده رجعی است: «المطلقة ثلاثیس لها نفقة علی زوجها، اما ذلک للنی لزوجها علیها رجعه، (وسایل الشیبه / ج ۱۵ / ۲۳۲ باب نفقات) در قانون مدنی ایران ۱۱۰۹، زوجة را در عده رجعی مستحق نفقه می‌داند. «نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده به عهده شوهر است» فقهای مذاهب اربعه به اتفاق، معتقد به وجوب نفقه در زمان عده رجعی می‌باشند (جزیری / الفقه علی مذاهب الاربعه ج ۴ - ۷۴ - ۵۷۴)

نقده پس از انحلال نکاح در ادیان و قوانین دیگر کشورها:

زردشتیان پس از انحلال نکاح، طبق شرایطی زن را مستحق نفقه می‌دانند چنانچه آئین نامه زردشتیان (م ۳۵) مقرر می‌دارد که اگر علت طلاق امر خلاف عفت یا تفصیر زن نباشد. دادگاه با ملاحظه دارایی زن و شوهر امر خواهد کرد که شوهر برای مخارج زن تا مدتی که زن، شوهر دیگری اختیار ننموده مبلغی بصورت دفعی یا اقساطی بپردازد.

در شرع یهود زن هنگام عده مستحق نفقه نیست چنانچه مهریه‌اش را دریافت نکرده باشد. در عده وفات مستحق نفقه است. هنگامیکه شوهر سبب جدایی باشد زن مجبوره ترک خانه گردد. به ذمه شوهر است که نفقه‌اش را بپردازد. آئین‌نامه ارامنه ایرانیان (م ۴۴) می‌گوید:

اگر انحلال نکاح مبنی بر تقصیر شوهر باشد شوهر موظف است که از عهده نفقه زن به فراخور بضاعت و شئون خود تا ازدواج مجدد زن یا فوت او برآید.

طبق ماده ۱۴۴ قانون مدنی ترکیه ممکن است دادگاه حکم کند زوجه‌ایکه مقصر و خطا کار نبوده است پس از طلاق مستحق نفقه شود.

طبق مقررات خانواده مصوبه قانون ۱۹۳۸ انگلیس اگر یکی از زوجین فوت کند زوج دیگر مستحق نفقه خواهد بود مشروط به اینکه ازدواج در طول حیات متوفی بوسیله رای دادگاه فسخ نشده باشد و طرف باقیمانده قبل از رای دادگاه ازدواج مجددی ننموده باشد.

ضمانت اجرائی پرداختن حق مالی زوجه:

در حقوق مدنی ضمانت اجرائی تکالیف هریک از زوجین را متذکر شده است تکلیف شوهر بر دو قسم است یکی اتفاق است زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و از شوهر بخواهد چنانچه اگر نتوان شوهر را الزام به دادن نفقه نمود یا اینکه شوهر عاجز از پرداخت آن باشد زن می‌تواند به استناد ماده ۱۱۲۹ ق-س از دادگاه بخواهد که شوهر را اجبار به طلاق کند. تکلیف دیگر شوهر حسن معاشرت تشدید مبانی خانوادگی ایفاء زناشویی نسبت به زن. اما ضمانت اجرائی تکالیف زن در صورتی که زن تمکین ننماید یعنی یکی از تکالیفی را که در اثر زناشویی عهده‌دار است انجام ندهد ناشزه می‌گردد. از جمله اینکه نظافت را رعایت نکند بدخلقی کند غرغر با ناسزا بگوید. طبق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی که آمده است. هر گاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود. پس نتیجه می‌گیریم که اگر امتناع زوجه در اثر مانع مشروع می‌باشد. ناشزه محسوب نمی‌گردد.

از جمله مانع مشروع در صورتی که صورتی که شوهر منزل مناسب با وضعیت زن برای سکونت او اختیار نکند- در صورتی که زن بیمار گردد. نزدیکی جنسی با شوهر را پزشک منع کرده باشد- در صورتی که شوهر به یکی از امراض واگیردار مبتلا گردد. (حقوق خانواده، ۱۳۸۳ ه.ش، ج

پس ضمانت اجرائی نفقه به دو صورت امکان پذیر است

۱- الزام شوهر به انفاق از طریق قضائی

۲- طلاق در صورت عدم امکان الزام به تادیه نفقه

در فقه حنفیه در ضمانت اجرائی نفقه آمده است. کمه در صورت عجز شوهر از دادن نفقه که حاکم نمی‌تواند بین زوجین جدایی بیندازد بلکه به زوجه دستور می‌دهد تا برای مخارج خویش بر ذمه شوهر قرض بگیرد و این قرض در نهایت به عهده شوهر می‌باشد. مالکبه در این زمینه می‌فرمایند: در صورت عجز شوهر، حاکم با جمع شدن شرایط ذیل، طلاق رجعیه جاری می‌کند.

۱- عجز از نفقه حال یا آینده باشد نه از گذشته

۲- زوجه هنگام عقد، آگاه به عجز شوهر نباشد.

۳- عسر و تنگدستی مرد ثابت نشود، زیرا چنانچه عسر شوهر ثابت گردد.

حاکم مدتی مهلت داده پس از اتمام مهلت مقرر طلاق را جاری مینماید.

شافعیه: در صورت اجتماع شرایط ذیل، حاکم حکم به فسخ می‌دهد:

۱- عجز از نفقه حال یا آینده باشد.

۲- مرد از دادن حداقل خوراکی و (بک مد طعام) ناتوان باشد.

حنابله: در صورت وجود دو شرط، حاکم حکم فسخ را صادر می‌کند.

۱- عجز مربوط به نفقه حال یا آینده باشد.

۲- شوهر از حداقل نفقه (نفقه زمان عسر) عاجز باشد. (جزیری الفقه علی مذاهب الاربعه/ ج ۴ ص ۵۸۲-۵۸۱).

در قانون مصریه قاضی اجازه داده است در صورت امتناع شوهر از دادن نفقه اگر شوهر مال آشکار و ظاهری دارد از آن مال نفقه برداشته می‌شود. اگر مال ظاهری ندارد و عسرش ثابت نشده، قاضی شخصا حکم طلاق را صادر می‌کند. ولی اگر عسرش ثابت شود قاضی مدتی (حداکثر یک ماه) به وی مهلت می‌دهد.

قوانین لبنان و سوریه در صورتی به حاکم اجازه طلاق را می‌دهند که شوهر غایب یا مفقود

باشد.

طبق ماده ۲۳ آیین‌نامه زردتشیان در صورتی که مرد در مدت سه سال نفقه زوجه را پرداخت ننماید زوجه حق دارد تقاضای طلاق بنماید. در یهود اگر شوهر خوراک و پوشاک و لباس همسر خویش را نپردازد زن حق تقاضای طلاق دارد.

مسیحیت: قانون کلیسای کاتولیک ازدواج صحیح و کامل را تا آخر عمر قابل انحلال نمی‌داند مگر در موارد استثنایی در صورت نپرداختن نفقه زوجه توسط شوهر است در حالی که اجبار زوج هم به پرداخت نفقه ممکن نباشد. در این صورت کلیسا می‌تواند حکم جدایی صادر کند. طبق ماده ۷ قانون مدنی نیویورک به زن مطلقه‌ای که شوهرش نفقه وی را پرداخت نمی‌کند اجازه داده است تا ازدواج مجدد نماید.

در دادگاه‌های انگلیس در زمان فسخ و بطلان ازدواج و زمان تفریق جسمانی و طلاق شوهر را اجبار به پرداخت نفقه زوجه می‌نماید. در سال ۱۹۶۸ دادگاههای ماجستریت انگلیس اجازه داده شده تا نرخ نفقه هفتگی را تعیین نماید.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن قدامه، عبداله بن احمد المغنی ج ۷ دار احیاء التراث العربی.
- ۳- بحرانی، یوسف حدائق الناضره، ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ / موسسه نشر اسلامی - تابع جامعه مدرسین قم.
- ۴- التهانوی - العلامه محمد علی، دحروج، علی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون والعلوم ج ۲.
- ۵- الجبلی العامل، زین الدین الروضه البهیة، ج ۵ و ۶ بیروت دار العالم اسلامی.
- ۶- الجزیری، عبدالرحمن علی المذاهب الاربعه، ج ۴ - قسم الاحوال الشخصیه مکتبه التجاریه الکبری بمصر ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۶۹ م الفقه.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر ترمینولوژی حقوقی - انتشارات گنج دانش ۱۳۶۴.
- ۸- جمال‌الدین - محمد بن مکرم ابن منظور الافریقی المصری - لسان العرب - المجلد العاشر - بیروت.
- ۹- الحر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه ج چاپ ششم - تهران، مکتبه الاسلامیه.
- ۱۰- حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن (محقق حلی) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال الحرام - ج ۲، ۱۹۶۹ م ۱۳۸۹ هـ -.
- ۱۱- خوانساری، سیداحمد، جامع المدارک فی المختصر النافع، ج ۴ قم - اسماعیلیان ۱۳۶۶.
- ۱۲- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن، تهران المکتبه المرتضویه.
- ۱۳- الزهیلی، دکتر وهبه - الفقه الاسلامی و ادلته ج ۱۰ دمشق، دارالفکر ۱۴۱۸ هـ.ق.
- ۱۴- شریف علی نفقه در حقوق ایران - سازمان خانه چاپ دانشکده حقوق دانشگاه تهران ۳۹-۱۳۲۸.

- ۱۵- طباطبائی - محمد حسین، / تفسیر المیزان، ج ۴ و ۲۰ / بنیاد علمی و فکری علوم طباطبائی با همکاری نشر فرهنگی رجا.
- ۱۶- الطباطبائی الحکیم، آیت الله سید محسن، منهاج الصالحین / المطبعه النجف، ۱۳۷۷هـ-۱۹۵۷م.
- ۱۷- طبرسی- شیخ ابوعلی الفضل بن الحسین- ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن - سنشورات مکتبه آیت اله العظمی المرعشی النجفی قم، تهران ۱۴۰۳ هـ
- ۱۸- الطوسی، شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن، النبیان فی تفسیر القرآن ج ۳ و ۲ - دارالاحیاء التراث العربی - بیروت - لبنان.
- ۱۹- العاملی، محمد بن جمال الدین مکی اللمعه الدمشقیه چاپ اول - قم انتشارات ناصر ۱۴۰۶هـ-ق.
- ۲۰- العامل، زین الدین بن علی (شهید ثانی) مسالك الافهام الی تفتیح شرایع الاسلام، الجزء اول موسسه المعارف الاسلامیه.
- ۲۱- عاملی - بهاء الدین محمد (شیخ بهایی) جامع عباسی، انتشارات فراهانی ۱۴۱۹.
- ۲۲- فرشتیان، حسن / اول / نفقه زوجه در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی / قم انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۱.
- ۲۳- الفیروزآبادی - مجدالدین محمد بن یعقوب / القاموس السحیط - موسسه الرساله - بیروت. الطبعة الثانیه ۱۴۰۷هـ-۱۹۸۷م.
- ۲۴- قمی - میرزا ابوالقاسم بن حسن جیلانی قمی به خط مسیح بن علی اکبر الحسنی السمنانی - جامع الشتان.
- ۲۵- کاتوزیان - ناصر حقوق مدنی خانواده - روابط زن و شوهر ج ۱ چاپ چهارم ۱۳۶۷.
- ۲۶- کاشانی، مرتضی، مولی محسن بن شاه (قیض کاشانی) مفاتیح الشرایع مطبعه الخیام ۱۴۰۱ هـ-ق.
- ۲۷- کلینی - محمد بن یعقوب - الکافی، ج ۵ تصحیح غفاری علی اکبر چاپ تهران ۱۳۷۷.
- ۲۸- مطهری - مرتضی نظام حقوق زن در اسلام انتشارات صدرا ۱۳۶۶.
- ۲۹- معین - محمد - فرهنگ فارسی معین ج ۴ انتشارات امیر کبیر - تهران چاپ هشتم.
- ۳۰- مکارم شیرازی - ناصر تفسیر نمونه، ج ۲ و ج ۳ - تهران - دارالکتب الاسلام.
- ۳۱- الموسوی الخمینی، روح اله، تحریر الوسیله ج ۲ کتاب النکاح، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۳۲- نجفی، محمد حسن بن محمد باقر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۰ - ۳۱ - چاپ دوم تهران - المکتبه الاسلامیه ۱۳۶۶.
- ۳۳- یزدی، محمد، احکام ازدواج و طلاق از نظر اسلام / چاپ سوم - زهره تهران.